

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر گرامی یاد "کبیر توخی"
ویراستاری و ارسال: احمد پوپل
۰۹ سپتمبر ۲۰۲۲

یادداشت

پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" به منظور گرامیداشت از چهارمین سالروز مرگ از رفیق، هم‌رزم و همکار زجرکشیده، نستوه و گرانقدر ما "کبیر توخی"، اشعار این هفته را به باز نشر اشعار ایشان اختصاص داده است:

مردی ز باد حادثه بنشست
مردی چو برق حادثه برخاست
آن، ننگ را گزید و سپر ساخت
وین، نام را، بدون سپر خواست

بر کتیبه ای سپر *

ای لهیده* در زیر تگرگ* طعن
که با رشمه ای ریشخند
بر دارِ یاد واره فصل سپاس و التماس از دشمن، آونگی*
ببین که، در لُشاب* سرد و نامواج مصراع هایت
چه آهنگ های مجوف* و منقوش
به سان ارتسام*، در جدول جادوگران شهر "حله" (۱) نقش بسته
وتو، بیهوده در فراخنای کذب
واژگان لیوه* ات را
بر صحایف* " موجودات سیال" و دوره گرد
– چون نشستِ کودکانِ مهجور* دهات حقارت
برگردونه ای " اسپکان چوبین"–

بر مدارِ آوازه کشیده ای .

همگان دانند که تو

از دست آن هول انگیز

که "دیوی ننگ" * خوانندش

و خفته در نامت

از انکسار و نفرت و خشم

در عمق لاوک* حس فطری خویش،

آماس* کرده ای

شرنگ* هبوط* در برهوت*

و انحطاط مفتضح، در ته

باد، تا رستخیز در کامت.

شاعرِ پیاله به دستِ میکده های ویران!*

که از پشتواره یاد های زخمی ات

(که یکتا عطف متعالی بود

بر دو کتف صلیب هویت مردمی ات)

در رنجی،

چرا در سلولستان سنگی*

که مهاجمان موطلا، گشودندش در

کشیدی قامتِ بلند نیزه را

به لام تعظیم

و نبشتی بر کتیبه سپر*

صد مصراع تسلیم

از برای رها !

به یاد آر !

به یاد آر، آن عبورِ تند لحظه های نبرد را

که آهنین بال های مرگبارِ دشمن

مشبک* می نمودند - حتی -

تصویر طفلان را

در قاب پنجره ها

با چنگال و منقار آتشبارشان*

و تو،

رهیده* از " دخمه " شان
 چه بی تفاوت،
 چه بی محابا،
 در تکاپوی رهی بودی به سوی تنگبار* مهاجم
 که رسیدی ؛ اما به رسوائی !
 و اکنون
 چون سایه های مرموز
 ره می پویی
 به سمت " کوچه های باور مردم " (۲)
 هان !
 نه راه است، نه روزن*
 گر است، پاسبانانش، " شعله " افروزانند

سرسام لاوه* گر!
 برگرد به بیابان .
 عقرب زرد عقدۀ چرکین
 بیرون کن از لانه آستین
 بنه به فلاخن تسکین؛
 مگر ، بر اوجها باز نخواهی گشت
 ای فرود آمده بر عفن* دشت
 ننگت باد!

- * - " بر کتیبه ای سپر " (در ماه حمل ۱۳۷۷-۱۹۹۸) سروده شد .
 ۱- " جلّه " ، « شهری بود در عراق میان کوفه و بغداد، در ساحل رود فرات» (محمد معین)؛
 ۲- (" کوچه های باور مرد") شعر " پیشواز " از م. آرم .

معنای بعضی از لغت های این سروده
 لهیده : له شده کوبیده شده
 تگرگ : ژاله
 آونگی : آویخته
 لشاب :جائی که آب ایستاده و در آن علف و نی روید. آب باطلاقی ، باطلاق ، لجن زار. آب کثیف و آلوده چون آب پارکین و کشتارگاه و جز آن
 مُجَوَف: [مْ جَوْ وَ] (ع ص) کاواک و میان تهی . چیزی که جوف کرده شده و از اندرون خالی باشد. تهی ، میانه کاواک ، میان تهی ،
 پوک . آنچه میان آن تهی باشد.پوک، توخالی، میانتهی

ارتسام : نقش کردن؛ رسم کردن
لیوه: فریبنده، چاپلوس ، احمق و نادان ، هرزه گو، هرزه گرد
صحایف موجودات سیال ودوره گرد: روزنامه های اشغالگران بدون پایگاه مردمی و در حال شکست
سیال: رقیق آبیکی حالت غیرجامد ماده که در آن اتم ها یا مولکول ها آزادانه از روی یکدیگر عبور می کنند
دیو ننگ: اشاره به اشغالگران
لاوک :ظرف بزرگی که در آن خمیر کنند؛ تغار
آماس : تورم پندیدگی
شرنگ : زهر سم شوکران حنظل هلاهل
هبوط: فرود آمدن ، سقوط نزول
بر هوت : هرجای گرم و بی آب و علف، بیابان صحرا، کویر
شاعر پیاله به دست میکده های ویران : منظور شاعر دایم الخمر واصف با ختری است
سلوستان سنگی : اشاره به زندان پلچرخ
که مهاجمان موطلا، گشودندش در - اشاره به عساکر اشغالگر روس که درب زندان را بروی تسلیمی های مرتد گشوند و رادمردان مقاوم
شعله ئی را به جوخه های آتش سپردند.
مشبک - سوراخ سوراخ
با چنگال و منقار آتشبارشان : منظور اسلحه آتش زا و طیارات و هلیکوپتر های روسهاست
رهیده : رهائده؛ آزاد شده؛ خلاص شده نجات یافته
تنگبار : صعب العبور، کسی که هیچ کس را نزد خود نپذیرد.
عفن: بدبو، گندیده، متعفن